

گزارشی از آخرین وضعیت پرونده ۳ محیط بان

که از اول امسال به دست شکارچیان غیر مجاز کشته شده‌اند

شلیک به جان محیط بان

بررسی های هم میهن نشان می دهد

تعدادی از شکارچیان غیرمجاز بدون مجازات می مانند



تصویری از محیط بان محمود شهمرادی که ۱۵ مرداد در منطقه سولگرد پارک ملی گلستان به شهادت رسید.

گذشته روند رو به رشدی از نظر حیات وحش و علفخواران به‌ویژه قوچ و میش و کل و بز و آهو و مرال داشته و در حال حاضر بیش از ۱۲ هزار رأس علفخوار بزرگ‌جثه در پارک ملی گلستان باقی مانده که همین آمار، درصد شناس شکار را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تعداد ورود شکارچی با شکار موفق یا غیرموفق بیشتر شود.

ساعاتی بعد از قتل محیط بان شهمرادی، سرتیپ دوم ستاد رضا رستگار، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست، خبر داد که ضارب آن به دست فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی، فرمانده اداره حفاظت محیط زیست شهرستان آشنانه و سایر عوامل انتظامی و قضایی و با اقدامات پلیسی و اطلاعاتی دستگیر شدند. به گفته او، یکی از آن‌ها در این حادثه زخمی و در بیمارستان بستری و نفر دیگر نیز برای سیر مراحل پرونده تحویل مراجع انتظامی و قضایی شده است.

شاهدان شهادت محیط بان شهمرادی تعریف می‌کنند صبح روز حادثه، نیروهای محیط بان سولگرد رد شکارچی‌ها را در همان حوالی می‌زند و بعد با تیمی از محیط بان مجاور تماس می‌گیرند تا همراه آنها در منطقه حاضر شوند و نشانه‌ای از آن دو شکارچی به‌دست آورند. حوالی پنج عصر ۱۵ مردادماه بود که محمود شهمرادی و همیار محیط زیستی که در کنارش بود، با گروه شکارچی از فاصله‌ای نزدیک رودرو می‌شوند و محیط بان، بارعبایت قانون به کارگیری سلاح، به متخلف فرمان ایست می‌دهد و با تیراندازی هوایی سعی می‌کند آنها را متوقف کند. شاهدان آن صحنه تعریف می‌کنند که شکارچی‌ها به طرف محیط بان و همیار محیط زیست تیراندازی می‌کنند، محمود شهمرادی برای دفاع از خود و همیار تیراندازی می‌کند و شکارچی اول زخمی می‌شود، اما شکارچی دوم با اسلحه غیرمجاز خود به سمت شهمرادی تیراندازی می‌کند که به دلیل فاصله نزدیک و اصابت آن به ناحیه سینه، در همان لحظات اول جانش را از دست می‌دهد. شکارچی زخمی با هماهنگی اورژانس و ماموران نیروی انتظامی به نزدیک جاده و بعد بیمارستان بجنورد منتقل می‌شود و همراه او که نتوانسته بود از منطقه خارج شود، حدود هشت شب دستگیر می‌شود؛ سه ساعت بعد از اینکه گلوله را به تن محمود شهمرادی شلیک کردند.

▼ بنویسد خسته و بریده‌ام

«صبح زود همکاران ما رد شکارچی را در منطقه می‌بینند و بعد با هماهنگی باقی همکاران، ردزنی آنها را شروع می‌کنند. ساعت حوالی پنج بعدازظهر بود، محیط بان‌ها در حال استراحت بودند که محمود شهمرادی شکارچیان را می‌بیند که از زیر پایشان و لابه‌لای درختان در حال رد شدن اند و می‌روند که دستگیرشان کنند. نزدیک که می‌شوند، ایست می‌دهند، اما توجه نمی‌کنند و شلیک می‌کنند، آن تیر چهارپاره می‌خورد وسط قفسه سینه او.»

محیط بان «م» نمی‌خواهد نامی از او برده شود، می‌گوید بنویس خسته و بریده‌ام. آقای «م» از همراهان محمود شهمرادی در مأموریت‌هایش بود و می‌داند اگر درگیری «شکارکش» و محیط بان منجر به شهادت نشود، در بیشتر موارد آزاد می‌شوند و جریمه‌هایشان قسط‌بندی می‌شود، مثل یکی از متهمان پرونده تاج محمد باشقرد: «این متهم بعد از مرخصی برای شکار به منطقه می‌رفت و چندبار بازداشت شده بود. همچنین در یکی از درگیری‌ها، برادرش کشته شد.»

می‌گوید بنویسد «شکارکش»، نه شکارچی؛ چون «شکارچی به افراد قانونمند می‌گویند که بعد از گرفتن پروانه و واریز پول، با هماهنگی محیط زیست و قانونی، همراه با یک محیط بان، شکار می‌کند و در همه کشورها هم وجود دارد، اما شکارکش بدون هیچ پروانه‌ای، مفت و مجانی می‌رود به منطقه و هر چیزی را ببیند شکار می‌کند.»

❖ شکار در پارک ملی بیشتر از سال های قبل شده؟

- چون حیات وحش در تمام مناطق غیر از مناطق تحت حفاظت ازبین رفته است، شکارکش‌ها برای شکار غیرمجاز مجبورند داخل مناطقی مثل پارک گلستان بیایند. این شکارکش‌ها هم از قدیمی‌ها بودند و چندین بار دستگیر شده‌اند.

❖ شرایط کاری امسال تغییر نکرده؟

- قرار بود از اول اردیبهشت‌ماه امسال شیفت‌های جدید اجرایی شود. شیفت‌های جدید به‌صورت ۲۴ ساعت کار و ۴۸ ساعت استراحت بود که متأسفانه باتوجه به ماهیت شغل محیط بان این مدل شیفت برای خیلی از همکاران سخت می‌شد و همه دوست داشتند به جای یک روز کار و دو روز استراحت، دو روز کار کنند و چهار روز استراحت داشته باشند. با سه روز کار و شش روز استراحت در نظر گرفته شود، اما متأسفانه نه اداره قبول کرد، نه اداره کل و نه سازمان. تنها سه نفر قبول کردند ۲۴ ساعت کار کنند و ۴۸ استراحت و سختی این مدل شیفت را به جان خریدند. قرار شد حالا که اداره شیفت‌های باب میل محیط بان‌ها اجرایی نمی‌کند، محیط بان‌ها مثل سابق شیفت داشته باشند، پنج روز کار و پنج روز استراحت و به‌جای آن، اداره پول اضافه کار بیشتری پرداخت کند، اما در نهایت هم فقط یک میلیون تومان به حقوق همکاران اضافه شده، در بعضی موارد در حد ۱۰۰ هزار تومان. طبق چارت سازمانی، پارک ملی گلستان باید حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ محیط بان داشته باشد اما در عمل ۴۰ تا بیشتر ندارد. شیوه جذب محیط بان بر مبنای امتحان است، نه تخصص و همین برای حفاظت مشکل ساز است.

آقای «م» می‌گوید که قانون پشت شکارشان است، در مواردی که قاتل محیط بان مشخص باشد مشکلی نیست، ولی در باقی موارد به آنها آسان می‌گیرد: «یک سازمان نمی‌تواند شکم محیط بان که ۱۵ روز در مناطق حضور دارد را سیر کند

همکارها آمده‌ایم برای انتقال پیکر او. دوستان بدانید که ما چطور کشته می‌شویم؛ ما برای زیست شما، آب‌وهوای این کشور و تنوع زیستی این کشور زحمت می‌کشیم، حق مان نیست که این‌طوری بمیریم» و بعد انتقال پیکر او به سمت شهر برای آخرین دیدار، روی دوش محیط بان‌ها.

محمود شهمرادی ۴۷ ساله با ۱۲ سال سابقه کار در پارک ملی گلستان، به دست شکارچیان سابقه‌دار به قتل می‌رسد؛ شکارچیان با یک پرونده تخلف باز که هنوز جریمه اقساطی آن را پرداخت نکرده‌اند و حالا هر دو بازداشت شده‌اند، خلاف قاتل هدایت‌الله دیده‌بان که بعد از گذشت دو ماه، هنوز بازداشت نشده است. پیش از او، این محیط بان یاسر مصدق بود که در «منطقه» کوپلر پارک ملی گلستان در درگیری با شکارچیان غیرمجاز به شهادت رسید؛ در حادثه‌ای مشابه، در درگیری با شکارچیان غیرمجاز، پارک ملی گلستان با مساحتی حدود ۹۲ هزار هکتار در سه استان گلستان، خراسان شمالی و سمنان گسترده شده و ۱۳ پاسگاه محیط بان و ۱۰۵ نیروی محیط بان و ۳۵ همیار محیط زیست در کنار محیط بان‌ها کار حفاظت را انجام می‌دهند. آنطور که خبرآبادی و محیط بان‌های منطقه تعریف می‌کنند، مناطق چهارگانه باتوجه به غنای تنوع زیستی خود، جمعیت حیات وحش قابل توجهی دارند و بیشتر هدف شکارچیان قرار می‌گیرند. پارک ملی گلستان هم در ۱۰ سال



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

غروب بود که آن «چاپاره» روی سینه محمود شهمرادی نشست؛ جلوی چشم‌های همراهش، وقتی که در «سولگرد» رد شکارچی‌ها را می‌زند، وقتی تیر هوایی اول را شلیک می‌کند، وقتی اسلحه شکارچی به سمت او نشانه می‌رود و گلوله روی تنش می‌نشیند. غروب ۱۵ مردادماه بود که خون او روی خاک سولگرد روی زمین ریخت؛ مثل یاسر مصدق در «کوپلر» و هدایت‌الله دیده‌بان در «خانیز»؛ دو محیط بان دیگر که از ابتدای سال جان‌شان را از دست داده‌اند.

پیکر محمود شهمرادی را ساعت ۱۲ شب چهارشنبه، محیط بان‌ها و همیاران محیط زیست با هم از آن منطقه سخت و سنگی به لب جاده منتقل کردند، ساعاتی که در انتظار بازدید دادستان و نیروی انتظامی از صحنه قتل او بودند، ساعت‌هایی که پیکر او با شالی چهارخانه و خونین پوشانده شد. محیط بان‌ها کنار تابوت‌اش نشستند و محیط بان ارسلان باغانی با چشم‌هایی به خون نشسته، می‌گوید: «همکار محیط بان ما محمود شهمرادی از ساعت پنج بعدازظهر شهید شده، حالا

تهدید سلامتی
برای سالمندان

مشاور عالی سازمان بهزیستی کشور در امور سالمندان، با اشاره به افزایش دمای هوا نسبت به افزایش خطر گرم‌زدگی در سالمندان و به دنبال آن تأثیرات غفلت خانواده‌ها از وضعیت سالمندان، هشدار داد. به گزارش ایسنا، احمد دلبری با اشاره به وضعیت فعلی کشور و وقوع موج‌های گرمایی شدید، اعلام کرد که سالمندان در برابر گرما بسیار آسیب‌پذیرند: «سالمندان به دلیل تغییر ساختار بدن و کاهش کارایی سیستم تنظیم‌کننده دما (هیپوتالاموس)، توان رهایی از گرما را ندارند و این موضوع امکان گرم‌زدگی، بی‌حالی و حتی بستری را افزایش می‌دهد. تحقیقات سازمان جهانی بهداشت نشان داده که افراد بالای ۶۵ سال بیشترین ریسک ابتلا به بیماری‌های مرتبط با موج‌های گرما را دارند؛ ضمن اینکه در دهه‌های اخیر مرگ‌ومیر ناشی از گرما در این گروه تا ۸۵ درصد افزایش یافته است. همچنین توان گشادشدن عروق پوستی (کنش سردکننده طبیعی بدن) در سالمندان ضعیف‌تر می‌شود و به‌رغم نیاز بیشتر به مایعات در فصل گرما، حس تشنگی کاهش یافته و اغلب مصرف مایعات ناکافی است.»



درباره شاید مرده است

مدیر موسسه آب دانشگاه تهران گفته است که ستاد احیای دریاچه ارومیه تلاش خود را می‌کند اما واقعیت این است که سطح زیر کشت، فراتر از ظرفیت حوضه آبریز است و تا زمانی که سطح زیر کشت کاهش پیدا نکند، مشکل دریاچه ارومیه با راه حل‌های فناورانه قابل حل نیست. بنفشه زهرایی ادامه داد: «حوضه آبریز دریاچه ارومیه هم متأثر از خشکسالی‌های کشور بوده است. در کل کشور ۴۰ درصد کاهش بارش داشتیم و در دریاچه ارومیه هم همین شرایط کم‌بارشی را شاهد بوده‌ایم. کلاً دریاچه ارومیه در تابستان به‌خاطر تبخیر بالا، قسمت زیادی از سطح آب خود را از دست می‌دهد که امسال، هم به‌خاطر کم‌بارشی، هم به‌خاطر گرم‌تر شدن هوا میزان تبخیر، شدیدتر از سال‌های قبل است.»



کل کشور دچار فرونشست

سختگوی صنعت آب با بیان اینکه کل کشور دچار فرونشست شده، گفته است که برای مهار فرونشست به‌جز کاهش برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و محدودیت آن، راه دیگری وجود ندارد. عیسی بزرگ‌زاده ادامه داد: «واقعیت این است که از ۶۰۹ دشتی که در کشور وجود دارد، قریب به ۷۰ درصد آن ممنوعه و بحرانی‌اند. این موضوع به این معناست که ما در طول چنددهه گذشته با اضافه برداشت از این منابع، روند توسعه ناپایدار را به جلو سوق دادیم.» او ادامه داد: «متأسفانه نتیجه‌ای که به دنبال داشت آنکه، بیش از ۳۰۰ دشت مس‌الان دارای فرونشست با نرخ‌های متفاوت هستند، دشت‌های مهم‌تری نیز وجود دارند که بیشتر در معرض خطر هستند به‌عنوان مثال اصفهان، خراسان رضوی، یزد و همه مناطقی که ما دشت‌های مهمی داریم. برای مثال کرمان دشت‌های مهمی دارد که این دشت‌ها وظیفه اصلی تأمین آب را دارند. آنجایی که ما دشت نداریم - فرض بفرمایید مثلاً در کویر لوط یا دشت کویر - مشکلی وجود ندارد.»